

و کفر نعم نیکه که محض اویا و عطا باشد در میان ما و زین نعمت نایبی
 از تقاضای محض مملوک خبر نداد پس آنچه در آن می بایست گوش
 خلق سموازه در این است و از آن ما در همه جا و در این سخن آن
 از این و بر آوردن انواع آثار و خوب و از بار بوسه لب و با هم
 صناعات ضروری و اقدار بر فعل آنهاست و در موافق بسیار تغییر بر خلد
 احوال مردمان در وقت هجوم مصائب و آفتها آن آنها تغییر کرده
 که از او این نفع نیز کثیره اوقع است و از ایام السعدی و فاعلی که
 آن را احوالات فرموده است از مثل انعام مطیعین و فعیب عساة
 از آن اخبار فرموده که کفر ایشان رسیده باشد و اجلا و کفری از آن
 شنیده باشند مثل نقص قوم قوم دعا و نمود که عرب را را با عن
 جد تلقی نموده بودند و مثل نقص حضرت امیر ایمان و انبیا هم مثل
 که بسبب لطف بود با عرب در قرون بسیار ما و نس اجتماع ایشان شده
 بودند نقص سازه غیر ما و ایما و فرموده اخبار مجازت عادلان

و نمود از آن فرمود و از نقص مشهوره جماعی چند نوع از آنکه که در بزرگان
 بکار آیدند سر و تمام نقص به جمیع خصوصیات آن کرده و حکمت دین جا
 آن است که چون تمام نقصه ما دره غایب نوزت نشوند یا باین
 استقصا در آن خصوصیات نقص کرده شود به نفع آن نقص میل
 نمایند و از بدینکه غرض اصیلا همان است در مانند و این سخن همان
 مانده که غایب نقصه است که از آن باز که قواعد تجرید را در زمان با کفرند
 از خشوع و در تلاوت باز مانده و از آن باز که معجزان در وجه بعیده
 تعیین سخن را از بدینکه تغییر نادر کالعدم شد پس از آن نقص که در
 در آن می آید نقص خلق آدم از آن است و سجده کردن فرشتگان
 در برابر زدن شیطان و ملعون شدن او و سجی کردن او از آن
 باز در اخوایی می آید است و نقص خاص حضرت نوح و مود و صالح و ابراهیم
 و لوط و شعیب با فوادم نمود ما در توبه و سعادت و مود و صالح و ابراهیم
 باز از آن اقامه و شیمات که یک آرد آن است و جواب آن

Copyright © King Fahd University